

گزارشی از زیر و بم افزایش حق الزحمه امدادگران

بوی بهبود ز اوضاع هلال می آید...





از حاشیه تا متنِ گردهمایی بزرگ هلال‌احمری‌ها

رضا واعظی زاده | گردهمایی مدیران عالی ستادی و مدیران عامل استانی هلال‌احمر در شهر مشهد درحالی برگزار شد که تعدادی از شرکت‌کنندگان، اولین حضور خود را در جمعی متشکل از همه مدیران همکار سپری می‌کردند. آن‌ها افرادی هستند که پس از ریاست دکتر کولیوند مدیریت را پذیرفته‌اند. در جمع مدیران عامل استانی، جوان‌ترین آن‌ها میزبان این گردهمایی است. محسن ذاکریان مدیرعامل خراسان رضوی متولد فروردین ۱۳۶۸شمسی است. البته تعداد اندکی از مدیران نیز آخرین حضور خود در جمع مدیران عالی را تجربه کردند. همچون عزت‌الله ضربی که چهار روز بعد از گردهمایی جایش را به حمید قویدل داد. بنابراین فارغ از اینکه برگزارکنندگان این نشست ۲ روزه، هدف از انجام آن را هم‌اندیشی و هم‌افزایی تجارب امدادی و درمانی دانسته‌اند؛ دیدار، آشنایی و گفت‌وگو بین مدیران سابق و مدیران جدید، از کارکردهای اصلی این گردهمایی بود. به این مهم اضافه کنید که هم‌نشینی‌ها در زمان و مکانی خارج از عملیات امداد و یا جلسات ثابت اداری و در شهر زیارتی مشهد اتفاق افتاد و از آخرین دورهمی این چینی در هلال‌احمر کشور بیش از سه سال گذشته بود.

عدالت در نوبت بعد

چهارشنبه و پنجشنبه در دو نوبت صبح و دو نوبت عصر، کارگروه‌های تخصصی در حاشیه همایش برگزار شد. در روز نخست حتی کار به شب کشید و منصوره باقری معاون امور بین‌الملل و حقوق بشردوستانه جمعیت هلال‌احمر به همراه عطا دوران مسئول دفتر فدراسیون جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر در ایران، زمان ارائه خود را از ساعت ۹ تا ۱۱ شب یافتند.

کارگروه‌ها به صورت همزمان نبود. یعنی تمام حاضران در زمان ارائه یکی از معاونت‌ها یا سازمان‌ها می‌بایست لزوماً در سالن همایش حضور می‌داشتند. صبح روز دوم با کارگروه سازمان امداد و نجات شروع شد. این گرم‌ترین و پر مشارکت‌ترین ارائه این ۲ روز بود. مشارکت، گفت‌وگو و سوالات مدیران عامل استانی از مهدی ولی‌پور رئیس سازمان امداد و نجات و مرادی‌پور معاون عملیات او تمامی نداشت. هنوز ولی‌پور پاورپوینت آمار و عملکرد سازمانش را کامل و

جامع طرح نکرده‌بود که زمان به پایان رسید. بسیاری از حاضران معتقد بودند که تقسیم برابر زمان بین کارگروه‌های مختلف عادلانه نیست و دست کم باید زمان نشست سازمان امداد و نجات و حوزه معاونت پشتیبانی و توسعه منابع انسانی افزایش می‌یافت.

یک بازنشسته در معاونت توانبخشی

مجموعاً در روز نخست برگزاری همایش مدیران عالی ستادی و عامل استان‌های هلال‌احمر، کارگروه‌های معاونت بهداشت، درمان و توانبخشی، حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه برگزار شد و روز پایانی هم با کارگروه‌های سازمان امداد و نجات، خزانهداری کل، معاونت برنامه‌ریزی و امور مجلس ادامه یافت. یک کارگروه به طور مشترک به سازمان داوطلبان و سازمان جوانان رسید.

کارگروه حوزه معاونت بهداشت و درمان در عصر



مربوط به گردهمایی مدیران هلال‌احمر، بیش از همه این خبر را منتشر کردند. در پاراگراف نخست این خبر آمده بود: «رئیس سازمان امداد و نجات از افزایش ۵۱ درصدی عملیات‌های پاسخ به سوانح جوی در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۱ خبر داد و گفت: سوانح ناشی از تغییرات اقلیمی همچون بارش‌های سیل‌آسای خارج از فصل همزمان با خشکسالی در حال افزایش است و بر اساس پیش‌بینی‌ها این روند افزایشی در سال‌های آینده تشدید خواهد شد.»

نواب شمس‌پور مدیرکل آموزش‌های همگانی در حاشیه افتتاحیه گردهمایی به خبرنگاران رسانه‌های خراسان رضوی گفت: خانه‌های هلال بستر مناسبی برای آموزش و ایجاد سازگاری مردم شهرها و روستاهای دچار تنش آبی و مناطق تاثیرپذیرتر از اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی هستند.

رئیس دفتر فدراسیون جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر در ایران هم در سخنان کوتاهی در روز نخست گردهمایی هشدار داد: ایران از جمله تاثیرپذیرترین کشورهای دنیا از تغییر اقلیم و اثرات آن است. او در ادامه، فعالیت بیش از ۶ هزار خانه هلال در مناطق کم‌برخوردار شهری، روستایی و عشایری را ابتکار جمعیت هلال‌احمر ایران دانست و تقاضا کرد: همانطور که خانه‌های هلال با ارائه مستقیم و غیرمستقیم آموزش‌های



یادداشت مدیر مسئول

پیام هلال منتظر شماست



اشکان موسوی

نشریه پیام هلال، میراث فرهنگی جمعیت هلال‌احمر محسوب می‌شود که احیای آن ضروری بود. در دوره مدیریتی جدید هلال‌احمر به این نتیجه رسیدیم که با انتشار پیام هلال در ساخنار الکترونیکی، پل ارتباطی بین مسئولان و کارکنان جمعیت را وسیع‌تر کنیم و با این نشریه سنتی، فرصت‌های بیشتر و آسان‌تری را در اختیار کارکنان هلال‌احمر برای ابراز پیشنهادها و انتقادهای درون سازمانی و ظهور ایده‌ها قرار دهیم.

پیام هلال دوره جدید در ابتدای راه است و به تدریج به نشریه مطلوب کارکنان هلال‌احمر تبدیل خواهد شد اما برای اینکه به نشریه موردپسندتان تبدیل شود همکاران من در اداره کل روابط عمومی منتظر شنیدن دیدگاه‌های شما هستند. ما به عنوان متولی پیام هلال وظیفه داریم که با انتشار گفته‌هایتان، مدیران را از خواسته‌های‌تان آگاه کنیم. اگر می‌خواهید پیام هلال خبرمحور نباشد و در کنار اطلاع‌رسانی، قاصد سوالات شما به مسئولان جمعیت نیز باشد، پیام‌هایتان را به شماره ۳۰۰۲۷۰۰ پیامک کنید.

ذات پیام هلال طوری است که حتی در قالب الکترونیک نمی‌تواند فضایی شبیه رسانه‌های جمعیت در شبکه‌های اجتماعی داشته باشد. در شبکه‌های اجتماعی با میلیون‌ها مخاطب روبرو هستیم که باید برای آنها از هلال‌احمر بگوییم اما در پیام هلال با حدود ۹ هزار کارمند هلال‌احمر مواجهیم که آنها باید برای ما از جمعیت بگویند. منتظر حرف‌های شما هستیم.



گزارشی از زیر و بَم افزایش حق‌الزحمه امدادگران

بوی بهبود ز اوضاع هلال می‌آید...

مریم یارقلی | آن شپ تلخ را کسی فراموش نمی‌کند از آن پنجشنبه‌های تلخ امداد و نجات بود؛ «رامین»، مهره گردنش شکسته و نمی‌تواند درست صحبت کند اما همه چیز از آن شپ شوم را به خاطر دارد از لحظه بعد از تصادف...«محمد راننده بود و محمود کنار دستش. من هم کنار مصدوم بودم! تصادف سنگین بود. آنقدری که محمد پا سر رفته بود داخل شیشه. محمود هم حال خوشی نداشت. هی صدایشان کردم محمد! محمود! تو را به خدا جواب بدهید. محمود فقط ناله می‌کرد اما محمد حالش خوش نبود. نمی‌دانستم چه باید بکنم. با خودم فکر کردم اگر بمانم این داخل همه‌مان می‌میریم. با این‌که بدجور آسیب دیده بودم اما خود را از خودرو کشیدم بیرون. با زحمت بسیار با بچه‌های پایگاه تماس گرفتم. کم‌کم خودروهای عبوری ایستادند. محمد و محمود را کمک کردند! محمود هی ناله می‌کرد. فقط دلم گرم بود که حالش خوب است و صدایش می‌آید اما محمد صدای ناله‌هایش ضعیف شده بود. صدایش کردم اما جواب نداد دیگر! همه چیز ظرف چند ثانیه اتفاق افتاد، خیلی کوتاه بود. مردمی که دورمان جمع شده بودند هی می‌گفتند آقا چه‌کار کنیم؟ تو بگو به ما چگونه به این آقا کمک کنیم؟ توانم تحلیل رفته بود. دیگر نمی‌توانستم جُم بخورم! محمد را گذاشتند کنارم. به خاطر آسیب گردنم حتی نمی‌توانستم برگردم و نگاهش کنم. فقط می‌گفتم عرفانیان بمان! بچه‌ها دارند می‌آیند. من خودم زنگ زدم می‌آیند... اما محمد جواب نمی‌داد... دستش را گرفتم نبضش را گرفتم... چیزی نگذشت نبضش از زیر دستانم رفت...» زن جوان، محکم دستان رامین را می‌گیرد و آرام اشک می‌ریزد در نگاه اول به‌نظر می‌رسد خواهر بزرگ

اوست. می‌گوید: «۱۴ - ۱۵ ساله بودم که رامین به دنیا آمد. بی‌پدر بچه‌هایم را بزرگ کردم. رامین نان‌آورم است. کمک خرجم است. همه دلخوشیم است با حق الزحمه امدادگری عصای دستم شده و حالا نمی‌دانم چه می‌شود...»

هفت سال از آن اتفاق تلخ می‌گذرد اتفاقی که مشابه‌اش بارها و بارها برای نجاتگران حاضر در عملیات‌ها اتفاق افتاده و هر بار قصه پُرغصه خدمت داوطلبانه و امدادگرانی که بدون بیمه و با کمترین دستمزد جانشان را کف دستشان می‌گذارند تا در سختی و بلا و در خوشی و ناخوشی همراه و پناه مردم باشند را پر رنگ‌تر می‌کرد و این سوال را ایجاد می‌کرد که اگر بیمه و حق الزحمه مناسب‌تری بود، شاید می‌شد اندک جبرانی باشد برای همه این لحظات سخت و زمهریر و جان گرفتن بارقه‌های امید در بین امدادگرانی که داستان‌های این چنین تلخ را دیده و شنیده اند و بارها با خود گفته اند: « بمانم یا بروم!»

یک قول و عهد ماندگار!

آذرماه سال گذشته بود که دکتر کولیوند بر مسند ریاست جمعیت هلال‌احمر تکیه زد و کلید واژه‌های «امدادگر»، «بیمه» «معیشت» جای ویژه‌ای در ادبیات و گفتمانش گرفتند. او بارها بر این دغدغه تاکید کرده بود که امدادگران داوطلب هلال‌احمر سرمایه‌های انسانی هستند که با ۲۴۰ ساعت کار و بدون هیچ بیمه‌ای ماهانه فقط یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برای هزینه ایاب و ذهاب دریافت می‌کنند و باید بعد ۲۰ سال بیمه مستمری، غرامت، بازنشستگی و بیمه تکمیلی امدادگران برقرار شود؛ معیشت و سپس ثبات و امنیت شغلی این

بعد از ماه‌ها تلاش و کار کارشناسی مشترک با نهاده‌ها و سازمان‌های مربوطه و امضای تفاهم‌نامه با سازمان تامین اجتماعی این مهم محقق شد. شهریور ۱۴۰۱ بنا بر اعلام رئیس جمعیت هلال‌احمر این وعده عملی شد و امدادگران هلال‌احمر که در سامانه امدادیار ثبت‌نام کرده و در شیفت‌های عملیاتی جمعیت در پایگاه‌ها و مراکز عملیاتی فعال باشند از این بیمه و افزایش حق الزحمه بهره‌مند شدند.

شیفت‌های سقف‌دار

با تغییر الگوی پرداخت حق‌الزحمه ایاب و ذهاب، سوالات و ابهامات زیادی در بین امدادگران ایجاد شد که یکی از مهمترین این واکنش‌ها و ابهامات کاهش شیفت‌های امدادی بود. یکی از امدادگران می‌گوید: « من امدادگر یکم هستم تا قبل از افزایش حقوق ۱۰ روز شیفت می‌رفتم و حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان دریافت می‌کردم الان فقط ۷ روز شیفت دارم که دریافتی‌ام حدود ۲ میلیون و ۳۰۰ می‌شود کاش می‌شد بتوانیم ۱۰ روز شیفت داشته باشیم»

مرتضی مرادی پور معاون عملیات سازمان امداد و نجات در خصوص این سوال شایع و پرتکرار امدادگران می‌گوید: پیش از این پایین بودن حق‌الزحمه و ریزش نیرو منجر به این شده بود که شیفت‌ها به حد نصاب نمی‌رسید و در استان‌ها امکان حضور در شیفت بیش از ۱۰ روز فراهم بود. اما با الگوی جدید و با روش پلکانی نحوه پرداخت حق‌الزحمه، سقف حضور در شیفت‌های امدادی ۱۰ روز برای امدادگران با بالاترین درجه امدادی است و براین اساس سایر امدادگران درجه‌بندی می‌شوند. طبق بررسی‌های اولیه قبل از ابلاغ دستورالعمل پرداخت

مهرماه، اعلام آمادگی برای حضور در شیفت ۳۰ درصد افزایش داشته است که ۲۰ درصد این افراد امدادگران غیرفعال بوده و ۱۰ درصد نیز افرادی‌اند که به تازگی از حوزه جوانان و... وارد شدند.

۸ ساعت شیفت نجاتگران زن معادل با یک شیفت ۲۴ ساعته

در پایگاه‌های امداد و نجات هلال‌احمر امکان حضور نجاتگر زن به‌صورت شیفت ۲۴ ساعته فراهم نیست و بانوان نجاتگر می‌توانند در مراکز عملیاتی اضطراری شعب و استان و یا مراکز پاسخگویی ۱۱۲ و همچنین طرح‌های سراسری مثل امداد نوروژی، طرح زمستانه و ...حضور داشته باشند. به گفته مرتضی مرادی‌پور؛ معاون عملیات سازمان امداد و نجات تا پیش از اجرای این طرح، صرفا یک خانم نجاتگر می‌توانست در شیفت ۸ ساعته حضور داشته باشد که در الگوی جدید به ۲ نجاتگر زن ارتقا پیدا کرده است. در الگوی جدید هر ۸ ساعت یک شیفت ۲۴ ساعته احتساب و بیمه پرداخت می‌شود.

جوانان بشتابند

پلکانی شدن نحوه پرداخت حق‌الزحمه و نحوه حضور در شیفت‌های امدادی براساس درجه امدادی ضرورت تقویت و ارتقای امدادگران را دو چندان کرده است و از سوی دیگر اصل حضور در پایگاه‌های امدادی براساس تخصص پایه‌گذاری شده و افرادی که در پایگاه‌ها فعالیت می‌کنند به‌دلیل حضور در عملیات‌های امدادی باید دارای نجاتگری باشند و به همین دلیل برنامه‌ریزی برای ارتقای امدادگران با درجه پایین‌تر اولویت می‌گیرد.

به گفته معاون عملیات سازمان امداد و نجات، ۲ اصل

رو خط آمارها

- سقف شیفت امدادی ۱۰ روز است**
- ۶۰ هزار امدادگر در سامانه امداد و نجات ثبت شده اند**
- ۴۴ هزار از امدادگران آموزش‌دیده فعال نبودند که از زمان ابلاغ جدید ۲۰ درصد تمایل به همکاری دارند**
- تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد از امدادگران پیش از اجرایی شدن طرح مشغول به کار بوده یا بیمه تامین اجتماعی داشتند**

حق ایاب و ذهاب و بیمه روی پلکان!

مردان	زنان:
۶ روز شیفت	شیفت ۲۴ ساعته ندارند هر ۸ ساعت یک شیفت ۲۴ ساعته احتساب و بیمه پرداخت می شود
۷۵ درصد از سوی جمعیت و ۲۵ درصد از محل ایاب‌وذهاب	
۴ روز شیفت	همه داوطلبان تحت پوشش بیمه مسئولیت مدنی هستند
۲۵ درصد با مشارکت جمعیت هلال‌احمر و ۷۵ درصد از طرف خود امدادگر	
بیش از ۷ روز شیفت در پایگاه‌ها یا مراکز عملیاتی ثابت و مستمر	
حق بیمه بصورت کامل توسط هلال احمر	

در ارتقای نجاتگران جمعیت هلال احمر موثر است که اصل اول افزایش فعالیت‌های جوانان و بحث تحلیف آنها از سازمان جوانان به سازمان امداد و نجات است. در حال حاضر اصلی‌ترین تامین‌کننده نیروی جمعیت هلال‌احمر جوانان هستند که با ارتباط سامانه ارتباط ساجد با سامانه امدادیار و بررسی دقیق سوابق می‌توان برنامه‌ریزی دقیقی کرد.

از سوی دیگر، خبرها حاکی است که در چندماه گذشته همکاری خوبی بین معاونت آموزش، پژوهش و سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر برای برگزاری دوره‌های آموزشی مورد نیاز و ارتقای درجه برگزار شده است. مرادی‌پور می‌گوید: در سه ماه تابستان بیش از ۳ هزار پرونده امدادی بررسی شده و امدادگران ارتقای درجه گرفتند. با توافقاتی که با معاونت آموزش شده و همچنین شیوه الکترونیکی بارگذاری مدارک روند ارتقای درجه امدادی تسریع شده است.

همه آنهایی که پا در هلال‌احمر می‌گذارند از روز اول می‌دانند در برای ماندن در این کار اول باید عاشق باشی، دوم باید عاشق باشی و تا آخرش هم عاشق بمانی؛ این یک اصل نانوشته روی کاغذ و نوشته شده در قلب‌های سرخ و سفیدپوشان است. اما دغدغه معیشتی گاه می‌تواند این اصل را تحت شعاع قرار بدهد و حال با پرداخت حق‌الزحمه ایاب و ذهاب و بیمه امدادگری تا حدودی این دغدغه از روی دوش نجاتگران برداشته شده است و مسیر نگهداشت آدم‌های شجاعی که با دانستن تمام خطرها و حوادث تلخی که در این کار است باز هم سر صحنه حادثه حاضر می‌شوند و جانشان را به خطر می‌اندازند، هموارتر شود.



سنگ صبور روزهای تلخ

ریحانه خلیج | بامداد ۱۳ مهرماه، زمین‌لرزه‌ای با قدرت ۵.۴ ریشتر عمق ۱۰ کیلومتری زمین در خوی را لرزاند و خواب مردم این خطه را برآشف‌ت. زن و مرد، کودک و بزرگسال، سراسیمه و وحشت‌زده از خانه‌های ترک‌خورده خود به کوچه‌ها و خیابان‌ها پناه آوردند و شب را از ترس وقوع مجدد زلزله زیر سقف آسمان به صبح رساندند؛ این اتفاق، آغاز ماجرای سفر تیم‌های سحر هلال‌احمر به شهرستان خوی شد...

شروع به‌کار تیم‌های سحر در مناطق زلزله‌زده خوی

با وقوع زلزله در مناطقی از روستاهای شهرستان خوی، تیم‌های سحر سازمان جوانان جمعیت هلال‌احمر، برای ارائه حمایت‌های روحی و روانی به آسیب‌دیدگان این مناطق، اعزام شدند. تیم‌هایی که به گفته رئیس سازمان جوانان این جمعیت، فعالیت آنها در حیطه حمایت‌های روانی و اجتماعی - فرهنگی در بلایا و در احترام به حقوق دیگران، رعایت حریم خصوصی، رازداری، حق انتخاب و تصمیم‌گیری در امور خود، پرهیز از ظلم، هرگونه تبعیض، دوستی و نیکوکاری تجلی پیدا می‌کند.

دکتر محمد گل‌فشان ادامه می‌دهد: «تیم‌های سحر پس از حادثه، با راه‌اندازی فضای شاد دوستدار کودک، اجرای برنامه‌های مفرح، مسابقات ورزشی، هنری و بهداشت محیط و

برپایی نماز جماعت و مراسم‌های مذهبی، کمک می‌کنند تا مردم آسیب‌دیده به آرامش قبل از حادثه برگردند.» حسین دهقانی سرپرست معاونت امور جوانان جمعیت هلال‌احمر آذربایجان غربی نیز با اشاره به وقوع زلزله در خوی می‌گوید: «پس از زلزله، فعالیت تیم‌های ارزیاب و امداد و نجات با توزیع چادر و اسکان اضطراری شروع شد و فعالیت تیم‌های سحر هم برای روز دوم پس از زلزله هماهنگ و به‌طور رسمی، تیم سحر براساس آموزش‌های جدیدی که از سال گذشته توسط سازمان جوانان ارائه شده، فعالیت خود را در خوی و در میان زلزله‌زدگان آغاز کرد.» استان آذربایجان غربی ۵ تیم سحر را در حادثه زلزله خوی به مناطق زلزله‌زده و روستاها اعزام کرد

یادداشت

فاطمه پاک سرشت | پس از بروز یک حادثه طبیعی و غیرطبیعی، به دلیل درهم شکستن ساختارهای اجتماعی یا خانوادگی، افراد متأثر از این حوادث در معرض انواع آسیب‌ها هستند.

جمعیت هلال‌احمر با اهداف والای بازآفرینی روحیه اعتماد به‌نفس، امید و آرامش بخشیدن به جان‌های خسته از حوادث طبیعی و فراهم کردن وسایل آسایش برای تن‌های رنجور، فارغ از مرزبندی‌های جغرافیایی، دینی، قومی و نژادی تأسیس شده و اهداف و فعالیت‌های آن کاملاً منطبق بر تعالیم و دستورهای دین مبین اسلام است. این جمعیت؛ نیازهای روانی و اجتماعی آسیب‌دیدگان ناشی از حوادث را در کنار نیازهای زیستی مثل تغذیه و اسکان اضطراری در دستور کار و اولویت قرار داده است.

در همین راستا، سازمان جوانان جمعیت هلال‌احمر ایران در شصتمین جلسه شورای عالی جمعیت (سال ۱۳۹۱) و براساس اهداف، تعهدات، وظایف و مأموریت‌های محوله هلال‌احمر در پاسخ به حوادث و سوانح، عهده‌دار فرایند بازتوانی اجتماعی آسیب‌دیدگان در بلایا شد و بدین ترتیب؛ این سازمان اجرای «طرح ملی سحر» را با هدف توانمندسازی اعضای جوانان، افزایش تاب‌آوری جامعه، پیشگیری و کاهش عوارض روانی-اجتماعی ناشی از حوادث و توانمندسازی و کمک به آسیب‌دیدگان برای بازگشت به زندگی عادی راه‌اندازی کرد.

طرح سحر، اولین بار به‌صورت رسمی در سال ۱۳۹۳ با برگزاری دوره‌های آموزشی تیم سحر (سفیران تیم‌های حمایت روانی و فرهنگی اجتماعی در بلایا) سازماندهی و تشکیل شد و در زلزله سال ۱۳۹۶ استان کرمانشاه نیز به ارائه خدمت به مردم آسیب‌دیده پرداخت.

کاهش بروز عوارض روانی و اجتماعی در بلایا و پیشگیری از تشدید عوارض روانی در آسیب‌دیدگان و امدادگران، افزایش تاب‌آوری و توان انطباق افراد جامعه، سازماندهی و توسعه مشارکت اجتماعی مردم در بلایا، بهره‌مندی از مشارکت فراگیر اعضای جوانان، توانمندسازی افراد و اجتماعات محلی و توجه به امر پیشگیرانه جامع و مردم‌محور نیز از اهداف و رویکردهای بسیار مهم طرح ملی سحر است.

تیم‌های سحر در سه گروه خدمات کمک‌های اولیه روانشناختی، خدمات اجتماع‌محور که مهمترین آن فضای دوستدار کودک و نوجوان است و همچنین رسانه و اطلاع‌رسانی راه‌اندازی شده‌اند. در بیشتر بحران‌ها، کودکان حدود نیمی از جمعیت تحت تأثیر را تشکیل می‌دهند. در شرایطی که سازوکارهای حمایتی در جامعه دچار اختلال می‌شوند، خطرات روانی اجتماعی که رشد و سلامت کودکان را تهدید می‌کنند، بیش از پیش آنها را در معرض خطر قرار می‌دهند. آنها ممکن است از خانواده و جامعه محلی خود جدا شده، دچار فقدان و یا آواره شده باشند و دسترسی محدودی به آموزش رسمی داشته باشند. بنابراین یک کودک در این شرایط بسیار بیشتر در معرض خطر قرار می‌گیرد.

در چنین شرایط دشواری، کودکان به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های در معرض خطر و آسیب‌پذیر، نیازمند دریافت خدمات ویژه‌ای هستند تا به شرایط بهتری برای زندگی دست پیدا کنند.



از حضور در تیم توانا تا خدمت در قامت تیم‌های سحر

آیسان آذر، نجاتگر و مربی هلال‌احمر آذربایجان غربی، حدود دو سالی می‌شود که عضو تیم سحر شهرستان است. او از سال ۹۱ وارد جمعیت شده و در طول این مدت در طرح‌های مختلف بشردوستانه و امدادی به‌عنوان داوطلب فعالیت داشته است. آیسان از حضور سریع خود در مناطق زلزله‌زده خوی می‌گوید: «تیم ساعت بعد از زلزله به‌عنوان یکی از اعضای تیم توانا و به‌عنوان ارزیاب به روستای سوگل اعزام شدیم. در ابتدا چند خانه را ارزیابی کردیم و به تیم اسکان روستا ملحق شدیم. وقتی ۴۰ چادر اسکان برپا شد، اعلام کردند به کمک تیم توزیع اقلام بروم تا فردای آن روز یعنی تا ۱۴ مهر در بخش توزیع اقلام بودم و چادر و بسته‌های ۷۲ ساعته و موکت و پتو را توزیع می‌کردم. پس از آن به تیم سحر پیوستم. آیسان ادامه می‌دهد: «یک روز پس از زلزله با من تماس گرفتند تا به شهرستان اعزام شوم. بعد از زلزله بچه‌ها در اردوگاه بازی می‌کنند. از بازی‌های محلی تا بازی‌هایی مثل مار و پله به‌همراه آموزش در هنگام زلزله و یا عمو زنجیرباف و انواع بازی مناسب سن کودکان انجام دادیم.» این عضو فعال تیم سحر می‌گوید: در ۵ روزی که به‌عنوان عضو تیم سحر در منطقه بودم، در اردوگاه شهرک ولی‌عصر و از صبح تا شب در کنار کودکان حضور داشتم. در این مدت در محلی به دور از خطر، کودکان آسیب‌دیده از زلزله را دور هم جمع می‌کردیم و بازی و آموزش داشتیم و در نهایت با اهدای جوایز و بسته‌های لوازم‌التحریر، فرصت خوبی برای کودکان فراهم شد تا از نظر روحی در شرایط بهتری قرار گیرند. در زلزله و دیگر حوادث طبیعی، کودکان دچار ترس و واکنش شدیدی می‌شوند و از آنجایی که بسیاری از خانه‌ها نیز در حوادث آسیب می‌بینند، کودکان از بازگشت به منازل خود هراس و ترس زیادی دارند. آیسان اضافه می‌کند: «ما سعی می‌کنیم با آموزش‌های راهبردی پناهگیری و همچنین مباحث روانشناختی این نگرانی‌ها و ترس‌ها را از بین ببریم.» تیم‌های سحر (ساماندهی حمایت‌های روانی اجتماعی و فرهنگی) سازمان جوانان جمعیت هلال‌احمر، مأموریت خطیری را بر عهده دارند. آنها پس از وقوع بلایا و حوادث با ارائه خدمات روانشناختی در مسیر افزایش تاب‌آوری و کاهش آسیب‌های روحی و روانی ناشی از بلایا حرکت می‌کنند و شادی و امید را برای ادامه زندگی به افراد آسیب‌دیده در این مناطق هدیه می‌دهند.



زندگی در سیل و طوفان بنگلادش



اقلیمی هستند. در ناحیه پایکگاچا (Paikgacha) در منطقه خولنا (Khulna)، بسیاری از خانواده‌ها با پرورش میگو امرار معاش می‌کردند، ولی هم اکنون شرایط ناپایدار اقلیمی به‌طور قابل توجهی پرورش میگو را دشوار کرده است و اکنون بسیاری از آنها زیر خط فقر زندگی می‌کنند. پورنیم‌ها با دریافت کمک نقدی از سوی جمعیت صلیب

شراره زمانی | توانمندسازی زنان، اجرای برنامه‌های توزیع کمک نقدی و آموزش تاب‌آوری به خانواده‌ها در منطقه ساحلی بنگلادش به آنها کمک می‌کند تا در برابر طوفان‌ها و سیلاب‌های مکرر، آماده و تاب‌آور باشند.

پورنیم‌ها می‌ستری به همراه همسر و تنها پسرش در ناحیه پایکگاچا (Paikgacha) زندگی می‌کنند، خانه او در یکی از آسیب‌پذیرترین و مستعدترین مناطق در معرض تغییرات اقلیمی قرار گرفته و تغییرات آب و هوایی منجر به افزایش شدت طوفان‌ها و جاری شدن سیل‌های ویرانگر در این منطقه شده است. جمعیت هلال احمر بنگلادش برای کمک به جوامع آسیب‌پذیر و به‌منظور مقابله با تغییرات اقلیمی، اجرای پروژه‌ای با نام "طرح کاهش بحران ساحلی" را در ناحیه پایکگاچا (Paikgacha) آغاز کرده است، هدف اصلی از اجرای این پروژه، افزایش آگاهی در زمینه مدیریت سوانح در جوامع و آموزش مهارت‌های جدید به خانواده‌ها برای مقابله با بحران است.

طوری که با برگزاری یکسری جلسات آموزشی، اعضای جامعه یاد می‌گیرند که چگونه در کنار سایر فعالیت‌های خود، دام‌پروری کنند و بطور موثرتری باغ‌های سبزیجات را پرورش دهند. پورنیم‌ها می‌گویند: با انجام این پروژه می‌تواند درآمد داشته باشد و خانواده‌اش را تامین کند.

در جنوب بنگلادش، بسیاری از خانواده‌ها در مناطق دورافتاده متاثر از آسیب‌های ناشی از تغییرات شدید



جنگ و محرومیت کودکان از تحصیل

احمد پسر ۱۷ ساله‌ی اهل تعز هم که باید طولانی‌ترین مسیر را طی کرده و از مرز کشور برای رسیدن به مدرسه عبور کند، می‌گوید: «مدرسه قبلی‌ام در مرز کشور قرار داشت. بنابراین، مجبور شدم مدرسه‌ام را عوض کنم، حالا هر روز باید یک ساعت و نیم در مسیر مدرسه باشم. به یاد دارم روزی هم‌کلاسی‌ام در مسیر مدرسه با گلوله کشته شد. من همراه او بودم، بسیار صحنه بدی بود، بدنم پر از خون شده بود و نمی‌دانستم که باید در آن لحظه چه کنم!

در این شرایط ناپایدار که کودکان در شرایط سخت جنگی هستند، دسترسی کودکان به محیط آموزشی می‌تواند تأثیرات خشونت را کاهش دهد و پرداختن به بحران آموزش در این کشور مستلزم یک رویکرد جامع و چندبخشی است که تمام نیازهای اساسی را برطرف می‌کند. زیرا همه نیازهای ضروری به هم مرتبط هستند.

به گفته نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در یمن، میزان نیازهای بشردوستانه زیاد بوده و فعالان بشردوستانه قادر به تامین آنها خواهند بود. هم اکنون کاهش قابل توجه بودجه به معنای دسترسی تعداد کمتری از اهالی یمن به مواد غذایی، بهداشت، سرپناه، و آموزش است و بسیار حائز اهمیت است که تلاش‌ها برای حل این بحران‌ها افزایش یابد.

هزاران خانواده مجبورند از مدرسه رفتن کودکان خود ممانعت کنند.

عفاف، دختر ۱۱ ساله‌ای که در کمپ آوارگان داخلی در استان حدیده زندگی می‌کند، می‌گوید: «پدرم دست و پایش را از دست داده و دیگر نمی‌تواند کار کند. خواهر و برادرانم مجبور شدند تحصیلاتشان را رها کرده و به دنبال کار باشند.» عفاف تنها فرد خانواده است که به مدرسه می‌رود او می‌گوید: «به مدرسه می‌روم ولی مدرسه‌ام در کمپی که ما هستیم توانایی پرداخت حقوق معلمان را ندارد و برای درس دادن به کودکان از داوطلبان کمک گرفته می‌شود.»

مدارس یمن از رخداد مخاصمات در امان نبوده‌اند. در طول این هشت سال، امکانات آموزشی تخریب شده و از بین رفته و یا از این امکانات برای اهداف غیرآموزشی استفاده شده است. براساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه، طرفین مخاصمه باید اطمینان یابند که تمامی اقدامات ضروری برای محافظت از غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی اتخاذ شده است. خشونت علیه دانش‌آموزان، کارکنان آموزشی، مدارس و دانشگاه‌ها پیامدهای طولانی مدتی را در بردارد و این جریان روند بازتوانی پس از جنگ را مختل کرده و به تأخیر می‌اندازد.

نیراعظم کهریایی وایقان | به گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تقریباً بعد از هشت سال از مخاصمات مسلحانه در یمن، این کشور با بحران آموزشی-تحصیلی مواجه است.

در حال حاضر، ۲ میلیون کودک از تحصیل محروم هستند و با توجه به اهمیت آموزش و محرومیت کودکان از تحصیل، آینده خوبی در انتظارشان نخواهد بود.

در شهر تعز یمن، معلمی به همراه دختران مدرسه، کلاس آموزشی را در مسیر راه رو به روی مدرسه‌شان که به شدت آسیب دیده بود، برگزار کردند. این صحنه واقعیت تلخی از نسل کودکان یمنی را بازگو می‌کند در حالی که شمار کودکان محروم از آموزش، هر روز در حال افزایش است. براساس گزارش یونیسف (صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد) بیش از ۲ میلیون کودک در این کشور از تحصیل محروم بوده و بالغ بر ۴ میلیون کودک به منظور دسترسی به آموزش نیاز به حمایت دارند. همچنین بیش از ۲۰ درصد مدارس دبستان و دبیرستان بسته است و بسیاری از دانش‌آموزان و معلمان در راه مدرسه مجروح و یا کشته شده‌اند. هزاران معلم به دلیل حقوق کم خود مجبور به یافتن کار دیگری شده‌اند و به دلیل خطرات و تأثیرات ناشی از جنگ،

گفت‌وگو با بانوی نجاتگر هلال احمر که بر بام ماناسلو ایستاد

من به توانایی زنان سرزمینم ایمان دارم

سمیرا صیدی | مهین خلیلی از نجاتگران خوب شمیرانات تهران است که از کودکی به فعالیت‌های هلال احمر و کوهنوردی علاقه خاصی داشته و همین امر هم باعث شده تا برای خدمت خداپسندانه به هموعان خود در مسیر کوهنوردی و دیگر حوادث، سال ۹۴ وارد هلال احمر شود و آموزش‌های امدادی را به صورت تخصصی فراگیرد. او در گفت‌وگو با پیام هلال از طعم شیرین پیروزی و ایمان به توانمندی زنان سرزمین ایران می‌گوید.

■ خانم خلیلی از آشنایی و ورودتان به هلال احمر بگویید؟

من از همان دوران مدرسه که لباس هلال احمر را بر تن نیروهای این مجموعه می‌دیدم که گاهی برای برگزاری مانورهای مختلف به مدرسه ما می‌آمدند؛ فعالیت داوطلبانه برایم جذاب بود و همین هم باعث شد تا علاقه‌ام طی این سال‌ها هر روز بیشتر شود.

تصمیم من برای ورود به جمعیت هلال احمر، هنگام صعود به قله ساکا و ریزش بهمن و بروز این حادثه ناگوار، جدی شد. صعودمان در زمستان بود و در این مسیر یک تیم دیگر در کنار ما حضور داشتند. اواسط کوه بودیم که تیم دوم مسیر حرکت خود را از ما جدا کرد. پس از حدود ۶ دقیقه صدای ریزش بهمن را شنیدیم و متأسفانه این تیم، قربانی بهمن شد.

تیم ما که همه آقا بودند و تنها من یک نفر خانم بودم بلافاصله خود را برای نجات آنها به محل رساندیم و تلاش زیادی کردیم تا آنها را نجات دهیم، تیم آنها ۱۰ نفر بود و ما توانستیم خوشبختانه ۹ نفر از آنها را زنده از زیر بهمن بیرون آوریم. متأسفانه یک نفر از کوهنوردان در این حادثه جان خود را از دست داد که خود من آن یک نفر را بیرون کشیدم. دیدن بدن بی‌جان و یخ‌زده هم‌نوردمان به شدت قلم را فشرده و همان لحظه تصمیم خود را برای یادگیری اصولی آموزش‌های هلال احمر به خصوص امداد و کمک‌های اولیه و روش‌های اصولی احیا گرفتم.

پس از بازگشت از آن صعود تلخ، بلافاصله برای حضور در دوره‌های مختلف به شعبه شمیرانات هلال احمر مراجعه کردم و همه دوره‌ها به همراه دوره نجات کوهستان را به صورت آموزش اصولی فرا گرفتم و اکنون هم



نجاتگر همین پایگاه هستیم.

■ کوهنوردی در کنار عضو هلال احمر بودن برای شما دستاوردی هم داشته؟

قطعاً بین این دو ارتباط تنگاتنگ و خاصی وجود دارد؛ من با آموزش‌های اصولی که از طریق جمعیت هلال احمر یاد گرفتم توانستم به عنوان یک کوهنورد مستقل هنگام صعود، اگر حادثه‌ای برای هم‌نوردانم رخ می‌دهد به آنها با افتخار کمک کنم.

■ از اینکه یک هلال احمری هستید چه حسی دارید؟

اصلاً مگر می‌شود این حس را توصیف کرد؛ وقتی توانستم به عنوان یک داوطلب در جمعیت هلال احمر فعالیت کنم حسی را تجربه کردم که

تا کنون در هیچ موقعیت دیگری آن را تجربه نکرده بودم زیرا که این آرزو را من از دوران بچگی برای رسیدن به آن در ذهنم پرورش می‌دادم و اکنون با افتخار می‌توانم بگویم که «داوطلب هلال احمر» و برای خدمت به هم‌نوعانم همواره آماده و مشتاق هستم.

■ آخرین صعود شما چند روز طول کشید و در این مسیر چه تجربه‌هایی کسب کردید؟

آخرین صعود من هشتمین قله بلند دنیا ماناسلو در کشور نپال بود که حدود ۱۰ روز است که از این صعود برگشته‌ام. صعود ما حدود یک ماه طول کشید، متأسفانه امسال به دلیل شرایط هوایی بسیار نامناسب در مسیر قله ماناسلو حوادث غیرمنتظره زیادی رخ داد. در

مسیر صعود چند بار بهمن ریزش کرد و متأسفانه باعث جان باختن چندین راهنما و مصدوم شدن تعداد زیادی از کوهنوردان شد. در مسیر بازگشت، تیم ما هم اسیر بهمن شد و خود من برای لحظاتی زیر بهمن گیر افتادم و به لطف خداوند و کمک دوستان، توانستم نجات پیدا کنم.

■ در ایران به کدام قله‌ها صعود کرده‌اید؟

در کشور عزیزم ایران توانستم به قله‌های بلند دماوند، دیواره‌های فنی، دیواره علم کوه و بیستون، خط‌الراس‌های فنی مثل اشترانکوه و خط‌الراس دنا صعود کنم و مقام‌های متعدد کشوری در مسابقات قهرمانی یخ‌نوردی را به دست آورم.

مهرماه سال جاری هم توانستم به قله‌ی ماناسلو هشتمین قله بلند دنیا به ارتفاع ۸۱۶۳ صعود کنم و معادل مدال طلای جهان را کسب کنم. همچنین توانستم در مردادماه سال جاری به قله لنین به ارتفاع ۷۱۳۴ متر صعود و معادل مدال نقره آسیا را به دست آورم.

همچنین به فرانسه در قالب تیم ملی هیمالیانوردی ایران و یخ‌نوردی در منطقه آلپ اعزام و صعود کردم.

■ سخن آخر...

به همه زنان توانمند سرزمینم توصیه می‌کنم هیچ‌گاه توانایی‌های خود را نادیده نگیرید، شما قطعاً می‌توانید با تکیه به توانایی‌های خود و متمرکز شدن بر روی هدف‌هایتان به بهترین‌ها دست پیدا کنید.

من ایمان دارم که زنان سرزمینم می‌توانند همه سختی‌ها را تحمل کنند و به بالاترین هدف‌های خود برسند؛ من با افتخار صعود و مدال‌م را به پیشگاه والای همه بانوان سرزمینم تقدیم می‌کنم.

تأثیرات عجیب کم‌خوابی

حتماً می‌دانید که کم‌خوابی شما را بداخلاق و کلافه می‌کند، اما شاید ندانید که این کم‌خوابی روی حافظه، وزن بدن، سلامتی و ظاهر شما تأثیر می‌گذارد.

کم‌خوابی باعث بروز حوادث می‌شود

کمبود خواب، عامل برخی از بزرگ‌ترین حوادث ناگوار در طی تاریخ بوده است، مثل بحران هسته‌ای چرنوبیل در سال ۱۹۸۶. همچنین کم‌خوابی یک خطر جدی برای رانندگی در جاده‌هاست. خواب‌آلودگی زمان واکنش راننده را کندتر می‌کند، مثل اینکه فردی در حالت مستی رانندگی کند. تخمین زده می‌شود که خستگی و خواب‌آلودگی هر ساله عامل ۱۰۰ هزار تصادف خودرو و ۱۵۵۰ مرگ ناشی از تصادفات رانندگی در ایالات متحده است. این مشکل در بین افراد کمتر از ۲۵ سال بیشتر است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که کم‌خوابی و کاهش کیفیت خواب باعث تصادفات رانندگی و آسیب‌های شغلی می‌شود.

کم‌خوابی و دردسرهایش



متأسفانه بسیاری از رانندگان به خصوص آنهایی که در مسافت‌های دور به رانندگی می‌پردازند، در زمان احساس خواب‌آلودگی نه تنها خود را متوقف نکرده بلکه با اصرار بر ادامه رانندگی، کار بیش‌تری از مغز خسته خود می‌کشند و به این ترتیب احتمال وقوع تصادفات شدید را افزایش می‌دهند.

تحقیقات نشان داده که گوش دادن به موسیقی، پایین کشیدن شیشه، نوشیدن مایعات یا کارهایی از این دست، اثرات بسیار ناپایدار و گذرایی بر هوشیار ماندن راننده دارد و از این رو می‌توان آنها را بی‌پهوه دانست. پس بهتر است رانندگان با انجام چنین کارهایی خود را فریب ندهند و به جای انجام این کارها، حداقل ۱۰ تا ۱۵ دقیقه استراحت مختصری انجام دهند.

کم‌خوابی باعث افت ذهنی شما می‌شود

خواب کافی در شب، نقش مهمی در قدرت تفکر و یادگیری شما دارد. کم‌خوابی به روند شناختی شما آسیب می‌زند. اولاً کم‌خوابی قدرت توجه، هوشیاری، تمرکز، استدلال و حل مشکلات را از بین می‌برد. این تأثیر، یادگیری و فهم مطالب را سخت‌تر می‌کند. ثانیاً دوره‌های مختلف خواب شب، نقش مهمی در تحکیم حافظه در ذهن دارد. اگر شب‌ها به مقدار کافی (۷ تا ۸ ساعت) نخوابید، نمی‌توانید آنچه را که در طی روز یاد گرفته‌اید و تجربه کرده‌اید، به یاد بیاورید. بی‌خوابی و افسردگی یکدیگر را تقویت می‌کنند، یعنی کم‌خوابی علائم افسردگی را بدتر، و افسردگی توان به خواب رفتن را سخت‌تر می‌کند.

کم‌خوابی باعث بیماری‌های جدی و خطرناک می‌شود

اختلالات مربوط به خواب و کم‌خوابی طولانی مدت، خطر ابتلا به بیماری‌های زیر را افزایش می‌دهند: بیماری‌های قلبی، حمله قلبی، نارسایی قلبی، بی‌نظمی ضربان قلب، فشار خون بالا، سکنه مغزی و دیابت. براساس برخی مطالعات معلوم شده است که ۹۰ درصد افراد مبتلا به مرض بی‌خوابی (یک نوع اختلال خواب که باعث سخت به خواب رفتن و در خواب ماندن می‌شود)، دچار یک بیماری دیگر هم هستند.

راهنمای ارتباطی

۳۰۰۰۲۷۰۰

نشریه پیام هلال در سری جدید انتشارش در نظر دارد در این صفحه صدای امدادگران، نجاتگران، داوطلبان و خلاصه همه مخاطبان این نشریه باشد. اگر شما به ما پیام بدهید و از مشکلات بگویید و پیشنهاداتتان را مطرح کنید، ما آنها را منعکس می کنیم و در شماره های بعدی هم پاسخ مسئولان مربوطه را منتشر خواهیم کرد.



میشه و ما هم در همون جایی که هستیم باقی می مونیم»
محمد علی استان تهران



برای جاده های حادثه خیز نجاتگر اضافه کنید!

«با سلام به پیشنهاد دارم، اگر مقدور باشه، توی چارت از بچه های نجاتگر پایگاه یک نفر اضافه بشه، برای جاهایی که واقعا تصادف خیزه و گاهی در هر شبانه روز ۵ تا ۶ عملیات با آمبولانس و یا خودرو نجات داریم. یه نجاتگر دیگه هم به عنوان کمک راننده برای خودرو نجات اضافه بشه تا هم بچه ها راحت باشن چون فاصله پایگاه مثلا در شهرستان رستم استان فارس به دلیل نبود بیمارستان در شهرستان زیاده و باید به شهرستان همجوار نورآباد ممسنی منتقل بشه و هر ماموریت حدودا دو ساعت تا دو ساعت و نیم زمان می بره»

محمد استان فارس

تا دو سال زمان می بره و تا اون موقع شهرستان ها ناچار هستند که پایگاه ها را با تعداد نیروی کمتری شیفت بندی کنند. اگه امکانی وجود داشت تا استان هایی مثل استان ما بتونه درخواستی مبنی بر برداشتن سقف کشیک رو ارائه بده، خیلی عالی می شه»

امیر حسین استان مازندران



ما میخوایم ارتقا پیدا کنیم شما دوره نمی گذارید!

«سلام لطفا به گوش مسئولان برسونید که ما می خواهیم ارتقا پیدا کنیم ولی امکانش نیست. خود من نزدیک ۵ ساله که منتظرم که یک دوره پیش بیمارستانی برگزار بشه و شرکت کنم دوتا از دوستانم سال هاست منتظر آزمون ایشانند و متاسفانه هر سال وعده سال بعد را می دهند بعد هم پرداختی ها براساس درجه محاسبه

چرا شیفت ها سقف دارد؟

«سلام. در رابطه با بحث سقف کشیک ها بر حسب درجات یه نکته ای مدنظر هست و اونم اینه که در بعضی از استان ها درسته که تعداد پایگاه ها به نسبت تعداد امدادگرا کمتره و خب در نتیجه به همه امدادگرا و نجاتگرا ممکنه کشیک نرسه و این وسط امکانش هست که مسئولان بعضی از شعب به افرادی که بهوشن نزدیک هستن تعداد کشیک بیشتری بدن، حالا می خواد درجه طرف امدادگرا یا نجاتگر باشه، این مورد رو قبول دارم اما در بعضی از استان های دیگه از جمله مازندران، تعداد پایگاه ها به نسبت تعداد نیروها بیشتر هستش و خیلی از شهرستان های ما خیلی وقته که مشکل کمبود نیرو دارن، پایگاه های ۵ نفره بعضی وقتا ۴ نفره یا ۳ نفره هستن، پایگاه های ۴ نفره بعضا ۳ نفره، حتی ۲ نفره هم شیفت می دهند و خب تربیت نیروی جدید حداقل یک

